



## بازخوانی الگو در معماری سنتی

حسین ظفریان ریگکی<sup>۱</sup>، سمیه امیدواری<sup>۲</sup>، محمدرضا نقصان محمدی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه علم و هنر یزد  
۲- دکترای معماری، استادیار گروه معماری دانشگاه علم و هنر یزد  
۳- دکترای معماری (طراحی شهری)، استادیار گروه شهرسازی دانشگاه یزد  
Hosseinzaafariyan@yahoo.com

### چکیده

وجود شتابزدگی موجود در عرصه معماری امروز که نتیجه فردگرایی اندیشه انسان معاصر می باشد منجر به ظهور بحرانهای عمیقی در معماری امروز گردیده است. جهت خروج از این بحرانها، معمار امروز می کوشد تا با مراجعه به معماری گذشته که در نتیجه عقل تاریخی حاصل آمده و در پی آزمون و خطاهای بسیار به دست آمده؛ به الگوهای قابل ملاحظه دست یابد. معماری گذشته این مرز و بوم سرشار از الگوهای است که معمار گذشته با بهره گیری از الگوهای گذشته زمان خود و متناسب با فرهنگ و اقلیم منطقه به خلق و استمرار مجدد این الگوها می پردازد. واژه الگو، همواره یکی از با اهمیت ترین و در عین حال مبهم ترین بحث هایی است که در حوزه معماری وجود داشته و شناسایی مفاهیم آن یکی از موثرترین راه حل های معماری معاصر جهت بهره گیری از این معماری بوده است. در این نوشتار پس از شناسایی معنی لغوی الگو و بررسی تفاوت آن با مدل، گونه... سعی در بررسی مفاهیم آن در حوزه های مختلف و بررسی دیدگاه های گوناگون درباره آن خواهیم داشت، و در نهایت به نمود این الگوها در معماری پرداخته خواهد شد.

واژه های کلیدی: الگو، معماری معاصر، معماری سنتی

## ۱- مقدمه

شناخت معماری سنتی، شناخت ارزش هاست. ارزش های معماری سنتی زمانی درک می شود که به این ارزش ها پی ببریم. معماری سنتی عبارت است از آن گونه معماری «که اولاً» بار فرهنگی خاصی داشته باشد و ثانیاً در طول زمان دست به دست شده و از دستی به دست دیگر رسیده باشد. «(صادقی پی، ۵: ۱۳۸۸) جست و جودر معماری و سبک های رایج گذشته و استفاده صحیح از قوانین این سبک ها، می تواند منبعی غنی از ایده های معماری در ساختار معماری معاصر باشد. چهارچوب و تکنیک های معماری گذشته و معماران آن زمان، در صورت کشف و بررسی، می تواند باعث نتیجه ای مطلوب در آفرینش و ارائه ایده های معماری گردد. برای رسیدن به این اصول باید به ریشه ها پرداخت. «پرداختن به ریشه ها، پرداختن به اصول است. فهم یک اصل، فهم معنای آن چیزی است که به تمام هنر و تمدن جامعه انسانی با یک فرهنگ و عقیده مشترک جهت می بخشد.» (معماریان، ۱۳۹۱: ۴۴۶) توجه به اصول معماری، الگوهای این هنر را نمودار می سازد، «الگوها یکی از مبانی لازم برای ارتباط دادن راه حل های طراحی با انسان هستند، نقض الگوها رابطه فرم های ساخته شده را با مردم قطع می کند.» (سالینگاروس، ۲۰۰۰: ۲۴) معماری سنتی با نوآوری های مناسب در طول زمان، با تقلید درست و بهره گیری از الگوهای معماری قبل خود، سعی بر بنیان نهادن سبکی مطابق با اصول فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه بود، این هنر اجتماعی و استادکاران این عرصه اعتقاد داشتند که تقلید درست، بهتر از نوآوری غلط است، و تقلید را صرفاً به معنی واقعی کلمه، مبنای کار خود قرار نداده و اصول و قواعد کهن را به معنی تقلید می دیدند. کریر نیز بر این عقیده است که «بهتر است از آنچه قدیمی، اما تأیید شده است تقلید کرد تا آنکه چیزی تازه ساخت که باعث زحمت مردم شود. (تولایی، ۱۳۸۲: ۸) در این راستا تعریف الگو و شناسایی الگوهای معماری سنتی بسیار حائز اهمیت است. حال باید بدانیم الگو چیست؟ تفاوت آن با دیگر واژه های مترادف خود چیست؟ و چگونه بر معماری و آسایش انسان ها تأثیر می گذارد؟ در ادامه جهت پاسخ به این سئوالات و رسیدن به تعریفی از الگو، به شناسایی الگوهای معماری سنتی با توجه به نظریات مختلف و تأثیرات آنها در معماری معاصر خواهیم پرداخت.

## ۲- چهارچوب مفهومی الگو

واژه Pattern به معنای الگو، و در تعریفی دیگر طرح و انگاره نیز می باشد. (میرساردو، ۱۳۸۷: ۱۱۱۵) الگو نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می باشد. (سوربن، ۱۳۸۶: ۶۵) دهخدا الگورا با واژه های مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال، نمونه معنی می کند. (دهخدا، ۱۳۴۲: ۷۷) آکسفورد واژه Pattern را به معنی کپی برداری و شبیه سازی می داند، و همچنین در مفهومی آن را با نظم دادن به اتفاقات تعریف می کند. (Oxford، ۲۰۰۵: ۱۱۱۱) الگودر علوم اجتماعی با مفاهیم مختلف و در تعابیر متنوعی، کاربردهای گوناگون دارد. روشه می گوید: الگو بنا به تعریف مدل، طرح و نمونه ایست، که از آن پیروی می شود و از آن الهام گرفته می شود. بنابراین الگورا القاء کننده نمونه مثالی می داند. (روش، ۱۳۶۷: ۴۴)

در علوم رفتاری الگوبه کس یا چیزی گفته می شود که به لحاظ ویژگی ها و خصوصیاتش، صلاحیت یافته است تا دیگران از او تبعیت کنند. همچنین در علوم تربیتی الگواز سویی به طرح ها و برنامه های گوناگون، اعم از تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی گفته می شود. و از سوی دیگر به نمونه های عینی و خارجی یک طرح عملی و یا اجتماعی،

## بازخوانی الگو در معماری سنتی

حسین ظفریان ریگکی، سمیه امیدواری، محمدرضا نقصان محمدی

صص ۳۲-۴۷

اقتصادی، اخلاقی و یا مذهبی اطلاق می‌گردد. روانشناسانی چون بندورا نیز الگورا با اصطلاحاتی چون: الگوبرداری (Modeling)، یادگیری مشاهده‌ای (Observation Learning)، یادگیری اجتماعی (Social Learning) در تقارب می‌دانند. (حسین زاده، ۱۳۹۰: ۲)

### ۳- اصطلاحات مترادف با الگو

این پژوهش بر آن است که واژه الگورا با توجه به نظریات مختلف در معماری بررسی کند، اما واژه‌های متعددی در علوم مختلف با الگومترادف هستند. با تأمل بیشتر و دقیق‌تری می‌توان به تفاوت این واژه‌ها با هم پی برد. این واژه‌ها در معماری معانی مختلفی دارند، که با فهم و درک این معانی می‌توان به علم معماری و ویژگی‌های آن در ادوار گذشته دست یافت، که نهایتاً و با شناخت آن‌ها، معمار و معماری معاصر می‌تواند از تجربیات گذشته معماری استفاده کند، زیرا تجربه ثابت کرده است، که شناخت و پیروی از اصول و قواعد گذشتگان احتمال خطا در رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی را پائین می‌آورد. بنابراین ابتدا باید به بررسی و شناخت واژه همسویا الگو پرداخت، و این اصطلاحات در خود معانی مختلفی دارند که واژه الگورا بهتر نمایان و شاخص می‌کنند. این اصطلاحات به شرح زیر است:

#### ۳-۱- مدل

بنابه تعریف فرهنگ معین مدل (Model) یعنی الگو، سرمشق و نمونه. همچنین وی مدل را با آنچه نقاش یا مجسمه ساز برابر خود نهد و از روی آن بسازد تعریف می‌کند. (معین، ۱۳۸۶: ۱۰۴۹) عقیده دی کانسی در این است که: مدل شیء یا ایده قابل تکرار است. (معماریان، ۱۳۹۱: ۱۹۷) مفاهیم رایج مدل از لحاظ نگارشی و ادبیاتی تفاوت‌هایی دارند، یا به صورت اسم به معنای نمایانگر و الگو، یا به صورت صفت به معنای چیزی دلخواه و ایده آل، و یا به صورت فعل به معنای چیزی را ساختن و به نمایش گذاشتن. (سعیدی، ۱۳۶۵: ۳) مدل را می‌توان کوچک شده چیزی دانست که واقعیات ظاهری آن را به نحوی نمایان می‌کند تا درک صحیحی نسبت به موضوع پیدا کرد. «مدل راهی برای درک واقعیت و دادن ساختار به واقعیت. (سلطانی، منصور، فرزین، ۱۳۹۱: ۷) بهترین راه ساده نمودن واقعیات مدل کردن است. «مدل‌ها با سنجش رفتارهای مشاهده شده در مطالعات تجربی، سعی در بکارگیری نظریه‌ها در عرصه عمل دارند.» (گرجی مهبانی، ۱۳۸۶: ۱۱)

بین الگو و مدل تفاوت‌هایی وجود دارد به صورتی که مدل تفسیر خلاصه شده‌ای از واقعیات بیرونی بوده که از تجرید آنها توسط انسان حاصل می‌شود و الگوبه ساخت و روابط بین عناصر یک واقعیت توجه دارد، و یک طرح ساده شده است. مدل و الگو در معماری نیز به کاربردهای زیاد و متفاوتی دارند، به نحوی که مدل ابزاری برای ساده‌سازی واقعیت‌ها و نقد و بررسی آنها کاربرد دارد، در حالی که الگو خود منشأ تولید واقعیات متعدد است. (سلطانی، منصور، فرزین، ۱۳۹۱: ۷) بنابراین تعاریف الگو و مدل چنین می‌توان برداشت کرد که الگو با مفاهیم شناخته می‌شود و مدل با ساختارهای فیزیکی. مدل‌ها برای نمایش ساختارهای در ارتباط با یکدیگر و جنبه‌هایی از پدیده‌های موجود در دنیای واقعی کاربرد دارند. (سعیدی، ۱۳۶۵: ۳)

#### ۳-۲- گونه

گونه در لغت به معنی نوع، روش، شکل، هیئت و قسمت. (معین، ۱۳۸۶: ۱۳۰۶) برای

درک بهتر از مفهوم واژه گونه، واژه گونه شناسی را که «یعنی طبقه بندی داده‌ها بر پایه اصول و ویژگی‌های مشترک و طبقه بندی اشیاء به کمک هندسه و نظم» (عینی فر، قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۳) بررسی می‌کنیم. واژه گونه شناسی ((Typology در فرهنگ غربی از ریشه تایپ (Type) گرفته شده است. و واژه تایپ نیز خود برگرفته از ریشه یونانی تپس (Typos) و تیپس (Topos) در لاتین است. (معماریان، ۱۳۹۱: ۱۹۴) رابطه بین جزء و کل توسط سیستم انسان مدارگونه شناسی تعیین می‌شود. این علم سیستمی است کل گرا، که براساس یک سری ایده‌های آرمان گرایانه و یا فرم‌های حاصل از روابط علت و معلولی شکل گرفته است. (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۹)

گونه شناسی در معماری تلاشی برای شناخت نمونه هاست، نمونه‌هایی که که طی دوران مختلف، شکل‌های متفاوتی با حفظ برخی اصول بر خود گرفته است. (پورجعفر، اکبریان، انصاری، پورمند، ۱۳۹۱: ۷) «گونه شناسی عبارت است از دسته بندی نمونه‌ها (طرح‌های محیط و منظر، ساختمان‌ها و طرح‌های شهری) بر طبق مقاصد مشترک یا ساختار و فرم» (سلطانی، منصور، فرزین، ۱۳۹۱: ۷) آلدوروسی می‌گوید: مفهوم گونه بنیان معماری را شکل می‌دهد، چون امریست ثابت و مقدم بر فرم و مشتمل بر آن. وی معتقد است: گونه عنصر فروکاست ناپذیر قاعده‌همنهستی است، یعنی چونان شکل از یک عنصر بنیادین. (شولتس، ۱۳۸۷: ۱۵۶) الگوسیله‌ای است جهت به وجود آوردن فرم و فضا در معماری، و گونه براساس معیارهای مشترک فرم و فضا به طبقه بندی ویژگی‌های آنها می‌پردازد.

در آثار معماران گذشته نیز گونه شناسی به چشم می‌خورد، به نحوی که ویتروویوس در اثر مشهور خود تحت عنوان ده کتاب معماری، گونه‌های مختلف بناهای یونانی شامل معابد، خانه‌ها و ساختمان‌های عمومی را گروه بندی نموده است. مثلاً «خانه را براساس حیاط‌دار یا بدون حیاط و یا محل قرارگیری و معابد را با نحوه ستون بندی تقسیم نموده است. همچنین آلبرتی نیز در کتابی به همین نام معابد را براساس ویژگی‌های شکلی تقسیم نموده است. (معماریان، ۱۳۹۱: ۱۹۶) چینگ در کتاب خود «معماری: فرم، فضا و نظم» گونه شناسی را با عناصر تعریف کننده فضا به تصویر می‌کشد. وی بیست و چهار نمونه از این عناصر، که فضای معماری را که شامل فرم‌های کاملاً محصور تا کاملاً باز می‌شوند، به نمایش می‌گذارد. این تصاویر به وضوح گونه و گونه شناسی را در معماری که تمایز بین نمونه‌های مختلف از لحاظ فرمی می‌باشند، را معرفی می‌نماید. (چینگ، ۱۳۸۷: ۱۷۵-۱۷۴)

### ۳-۳- اسکیم (طرح واره)

اسکیم به معنی بینش اولیه یا هندسه ذهنی است. (نقره کار، مظفر، نقره کار، ۱۳۸۹: ۱۳۹) این واژه بیشترین کاربرد را در علوم رفتاری و روانشناسی دارد. نظریه یونگ تأکید دارد که طرح واره به طور کلی الگوها یا درون مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته و در بزرگ سالی تداوم پیدا می‌کند. اسکیم نظم و ارتباط میان اطلاعات و دانسته‌های انسان است. همچنین حوزه عمل اسکیم رفتارهای اجتماعی و تعاملات محیط انسان است. (سلطانی، منصور، فرزین، ۱۳۹۱: ۵) بنابراین اسکیم را می‌توان شکل‌گیری چیزهایی پنداشت که در ذهن یک معمار به صورت هندسه طراحی وی به عمل می‌رسد. و با صورت پیدا کردن این هندسه ذهنی معماری در دو قالب معنایی و فرمی شکل می‌گیرد.

## بازخوانی الگو در معماری سنتی

حسین ظفریان ریگی، سمیه امیدواری، محمدرضا نقصان محمدی

صص ۳۲-۴۷

## ۳-۴- پارادایم (الگوواره)

واژه‌ی پارادایم (Paradigm) ابتدا در قرن پانزدهم به معنی الگو، مدل و نمونه به کار رفت. (کوهن، ۱۳۶۹: ۳۷). در لغت نامه‌ی مریم-وبستر پارادایم یک چهارچوبی فلسفی و نظری از یک رشته یا مکتب علمی در کنار نظریه‌ها، قوانین، کلیات و تجربیات به دست آمده که قاعده‌مند شده‌اند، که در فارسی به آن سرمشق می‌گویند. (خالقی، ۱۳۹۱: ۳) در علوم اجتماعی پارادایم با الگوی نظری قرابت معنایی پیدا می‌کند، و به معنی مجموعه‌ای از پیش فرض‌های اساسی، مفاهیم و گزاره‌ها در زمینه موضوعی خاص، این مجموعه‌ها به هدایت جریان پژوهش و تشکیل نظریه کمک می‌کنند و از این نظر با مدل مشابهت دارند. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۱۸) همچنین پارادایم در اندیشه‌های کوهن، مجموعه‌ای از مفاهیم، باورها، پیش‌پندارها، نظریه‌ها، قوانین و ابزارهای اندازه‌گیری است که به دانشمندان می‌گوید چه چیز مسئله است و برای پاسخ به آن باید دست به جست و جوی‌ها و جوی‌ها، و در قالب کدامین مفاهیم و اصطلاحات صورت بندی و مطرح کنند تا مؤثر واقع شود. در واقع کوهن پارادایم را به معنی یک تفکر در هر انقلاب علمی بکار می‌برد. (خالقی، ۱۳۹۱: ۵)

پارادایم می‌تواند تنها یک نمونه باشد. پدیده‌ای تکین و تکینگی (Singularity) که می‌تواند تکرار شود. و بدین سان به طور ضمنی، قابلیت الگوسازی برای رفتار و نحو، کار دانشمندان را دارا باشد. همچنین پارادایم با تعریف ارائه شده به معنی نمونه (Example) می‌باشد که در فلسفه افلاطون، ارسطو و بعدها کانت کاربرد داشته است. (جورجو آگامبن، ۱۳۹۱: ۱۰) پارادایم را به تعبیری دیگر می‌توان «نمونه‌نما» یا «مثال‌واره» (آنتونیادس، ۱۳۸۸، جلد اول: ۲۴۸) تعریف کرد.

## ۳-۵- سرمشق

سرمشق‌گیری به آن فرآیند یادگیری گفته می‌شود که به واسطه آن فرد، در نتیجه مشاهده رفتار یک فرد دیگر (الگویا سرمشق) یعنی دیدن، شنیدن، یا حتی خواندن، در باره آن رفتار تغییر می‌کند. (سیف، ۱۳۸۱: ۳۵۲) به تعریف دهخدا سرمشق قطعه نوشته شده خوشنویس است که بعرف آنرا تعلیم گویند و آنرا در نظر داشته مشق کنند. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۴۸۳) سرمشق موجودی غیب یافته و تمام شده است. در سرمشق شباهت‌های نمونه‌های بعدی بر سرمشق ملاک است. الگو در یک مرتبه بالاتر و می‌تواند منشأ تولید عینیاتی شود که به موازات هم رابطه طولی با الگو دارند. در الگو جار شدن نظام و روابط موجود در الگو بر پدیده‌های تحت تأثیر ملاک است، نه شباهت شکلی و محتوایی پدیده‌ها به یکدیگر. (سلطانی، منصوری، فرزین، ۱۳۹۱: ۷-۶)

## ۴- آرکی تایپ (کهن الگو)

کهن الگو در لاتین به شکل Archetypum آمده که خود از واژه یونانی Arkhetupon گرفته شده است. که مشتق از واژه Arkhe به معنای آغازین و Tupos به معنای مدل و نمونه شده است. از این رو Archetype را با توجه به مولفه‌های آن می‌توان الگوی نخستین یا کهن الگو ترجمه کرد. (سلطان بیاد، قربان صباغ، ۱۳۹۰: ۱۰) آرکی تایپ بر وجود صفات و مفاهیم نهادینه شده‌ای در ضمیر انسان اشاره دارد که در قالب نظام‌های رفتاری و آیینی تکرار پذیر، در شیوه زندگی انسان بروز و ظهور یافته و منجر به ایجاد الگوها می‌شود. (سلطانی، منصوری، فرزین، ۱۳۹۱: ۶) الگوهای اولیه مجموعه‌ای برگرفته از فرهنگ هر ملتند، که به صورت یک ساختار به هم پیوسته و مشخص و به جهت

## بازخوانی الگو در معماری سنتی

حسین ظفریان ریگکی، سمیه امیدواری، محمدرضا نقصان محمدی

صص ۳۲-۴۷

کارکرد صحیح و توجیح پذیرشان، جنبه تاریخی و ماندگار یافته‌اند.

برخی از بزرگان علوم مختلف کهن الگورا با غریزه در یک راستا از جهت ادراک می‌دانند، به عقیده ادینگر: نسبت کهن الگوبه ذهن، مانند نسبت غریزه است به بدن، وی می‌گوید: از وجود کهن الگوها به همان شیوه‌ای مطلع می‌شویم که غرایز را درک می‌کنیم. همچنین منتقدان نقد اسطوره‌ای مفهوم کهن الگورا در دو معنای الگوهای کلی روانی-رفتاری در ذهن و نمود ملموس و مشهود چنین الگوهایی در عمل به کار می‌برند. که تجلی چنین الگوهایی را می‌توان به شکل غار نوشته‌ها، نقاشی‌ها، سفالینه‌ها، مجسمه‌ها و مکتوبات و... در طول تاریخ طولانی تمدن بشری یافت. (سلطان بیاد، قربان صباغ، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۲)

جامعه شناسان و روان شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که ممکن است معنای ذهنی-عاطفی دو ملت بی‌آگاه از یکدیگر، گاهی همسان و نزدیک به یکدیگر باشد، این پدیده اجتماعی را آرکی تایپ یا کهن الگومی نامند. آرکی تایپ یک پدیده آشکار و ملموس نیست، بلکه از دیرباز در ژرفای حافظه فرهنگی و روان همگانی یک جامعه وجود داشته که گاه سربرمی‌آورد. (شرقی، ۱۳۸۹: ۲) همچنین یونگ روانشناس و متفکر سوئیسی روان انسان را به سه بخش؛ خودآگاه، نیمه آگاه و ناخودآگاه تقسیم می‌کند. و ضمیر ناخودآگاه را در دو بخش جمعی و فردی معرفی می‌کند. وی می‌گوید: آرکی تایپ‌ها به عنوان ناخودآگاه جمعی بشر قلمداد می‌شوند. به همین علت نمی‌توان آنها را متعلق به یک قوم یا ملتی دانست. بنابراین و از آنجا که در ملل مختلف قصه و داستان‌های گوناگونی از جمله حماسی همیشه نقل شده و در اذهان عموم پایدار مانده است، به همین دلیل است که ذهن انسان در زمان حال همیشه ارتباط خاصی با گذشته کهن خود دارد. (مترجم، نقشینه، ۱۳۹۲: ۳) بنابراین کهن الگویا الگوی نخستین تجربه ایست کهن از پیشینیان و به معنای الگویی که چیزهایی از روی آن ساخته می‌شود.

جدول شماره ۱: مفاهیم الگو (نگارندگان)

| تعریف     | کارکرد   |
|-----------|--|
| مدل       | شکل کوچک شده یک شیء                              |
| گونه      | تعریف‌کننده نمونه‌ها                             |
| اسکیما    | بینش اولیه یا هندسه ذهنی                         |
| پارادایم  | چهارچوبی فلسفی و نظری                            |
| سرمشق     | فرآیند یادگیری از طریق مشاهده                    |
| نمونه     | مقداری کم و جزوی از چیزی زیاد (معین، ۱۳۸۶: ۱۷۰۰) |
| آرکی تایپ | الگوی نخستین و اولیه                             |
|           | منجر به ایجاد الگوها                             |

## ۴-۱- آرکی تایپ‌ها در معماری

آرکی تایپ به معنای الگوی آغازینه یا کهن الگو، خصیصه، سرشت یا منشی است که در زمان‌های بسیار دور در پندار آدمی شکل گرفته و در اثر گذشت زمان مبدل به یک کد ژنتیکی شده است، و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. (معماریان، ۱۳۹۱: ۱۹۴) کهن الگوها در معماری گاهی خودآگاه و در مواقعی ناخودآگاه شکل گرفته‌اند، معمار با ضمیر ناخودآگاه خود دست به ساختن بنایی می‌زند که از آن جاودانه نام

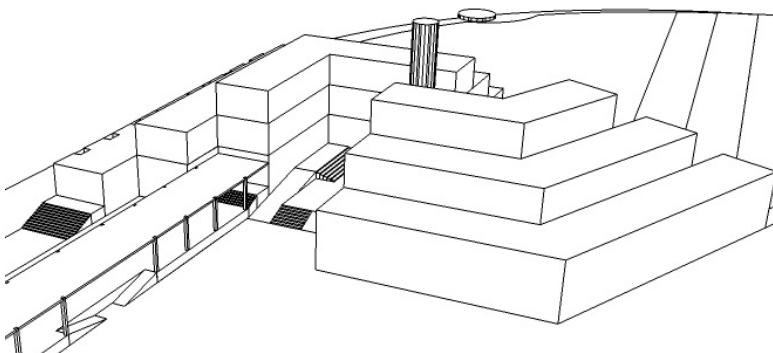
بازخوانی الگو در معماری سنتی  
حسین ظفریان ریگکی، سمیه امیدواری، محمدرضا  
نقصان محمدی

صص ۳۲-۴۷

می‌پریم، ناخودآگاه معمار شکل جمعی است که در دیگران نیز وجود دارد، که همان آرکی تاپ است. آرکی تاپ‌ها و کهن الگوها، الگوهای اصلی و پایداری هستند که حاصل تجربه جمعی بشر در طی هزاران سال بوده و در حافظه پنهان ناخودآگاه جمعی ذخیره می‌گردند. کهن الگوها جهانی هستند و در همه مکان‌ها مفهوم و جوهره مشابهی دارند. و معماری آرکی تاپی، حضور تمام انسان‌ها به شکل کالبد و روح فضا است. (گلابچی، ۱۳۹۱: ۲۹) تحلیل و بررسی آرکی تاپ‌ها می‌تواند در شناخت مسیر و گام برداشتن در برقراری رابطه با گذشته تاریخی و الهام گرفتن تجربی از ارزشها و دستاوردهای تاریخی یک سرزمین، همچنین ترکیبی خلاقانه از تصویر سنتی ارزش‌های یک سرزمین با فضای مدرن ارائه دهد. (مترجم، نقشینه، ۱۳۹۲: ۹) استفاده از آرکی تاپ‌ها در معماری به‌گونه‌های مختلف بروز پیدا می‌کند. در حالتی معمار با بکارگیری اصل کهن الگو، فرم آن را با اندکی تغییر در معماری خود جای می‌دهد. (شکل ۱ و ۲) و در حالتی دیگر معمار به اصل معنویت و ساختارهای مفهومی کهن الگوها توجه کرده و معماری ماندگار به وجود می‌آورد. در همه حالات این حالات معمار به عنوان طراح حضوری مؤثر در شکل‌گیری اثر دارد.



شکل ۱: هتل بین المللی داریوش (کیش)، نمونه ای از کاربرد کهن الگوهای مربوط به معماری هخامنشی در معماری معاصر ایران، (مهدوی نژاد، خبری، عسکری مقدم، ۱۳۸۹)



شکل ۱: استفاده از الگوهای معماری ساسانی (برج اردشیرخوره) (پایان نامه کارشناسی نویسنده اول، ۱۳۹۱)

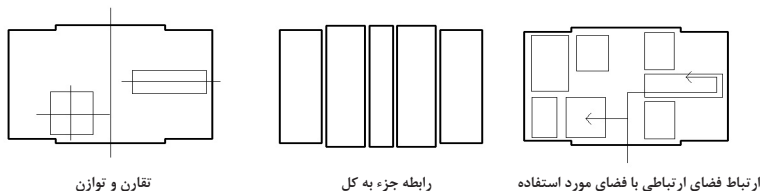
## ۵- الگو در معماری

معماری یک هنر انسان مداراست و وظیفه آن ایجاد مکان زندگی در قالب فرم برای اوست. این هنر فرم و فضا را جهت آسایش انسان و نیل به زندگی راحت در نظر می‌گیرد. صحبت از فرم و فضا صرفاً صحبت از کالبد معماری نیست، بلکه‌گونه‌های

مختلف مواجهه معماری با اجتماع می باشد. فرم معماری و زندگی انسان رابطه دوسویه باهم دارند، به نحوی که عدم توجه به هرکدام تأثیرات نامناسبی در شکل گیری معماری مطلوب می گذارد. بررسی تاریخ معماری نشان می دهد این هنر در گذشته به جهت توجه به هردوی این مقوله ها (فرم معماری و زندگی انسان)، در ایجاد شرایط مناسب برای انسان موفق عمل کرده است.

الگو حافظ چیزی است که از لحاظ تاریخی معنای غالب آن است. چیزی که باید تکرار و تقلید شود، و بدین سان الگوه کلی ترین معنای آن، یک نظم ساختاری است. (گولد، کولب، ۱۳۷۶: ۹۱) الگورا می توان رویکردی به «معیارها» و «سنجه ها» دانست که امکان بهترین کار کرد را ممکن می کنند. همچنین الگوها را راه حل هایی برای یک طراحی مناسب می دانند که امکان کارکرد بهینه و مطلوب را در عرصه پاسخگویی فضایی ممکن می کند. بنابراین هر فضای شهری براساس الگوی خاصی شکل می گیرد تا بتواند به نیازهای شهروندان پاسخ دهد. (محمودی نژاد، انصاری، پورجعفر، تقوایی، ۱۳۸۵: ۲) حال اینگونه استنباط می شود که یک طرح معماری زمانی می تواند بهترین عملکرد و کارایی را داشته باشد، و انتظارات کاربران را برآورده کند، که در آن به الگوها توجه شود.

الگودر معماری را به چند روش می توان بررسی نمود. اول اینکه الگواز لحاظ فرمی و فضایی قابل بررسی هستند، که به الگوهای کلارک می توان اشاره کرد. وی در کتاب خود «الگوهای معماری»، این الگوها را براساس ویژگی های فرمی و فضایی بناهای گذشته و در یازده مورد بررسی می کند. کلارک معتقد است: این اصول در معماری گذشته باید استخراج شوند تا معماران به ایده های نودر معماری معاصر دست پیدا کنند. این موارد شامل: سازه، نورگیری طبیعی، حجم کلی، رابطه پلان و مقطع، توازن و تقارن، رابطه فضای ارتباطی و فضای مورد استفاده، رابطه عناصر یگانه با عناصر تکراری، رابطه جزء به کل، هندسه، عناصر افزایشی و کاهششی، سلسله مراتب. (کلارک، پاوژ، ۱۳۸۸: ۳) (شکل ۱) کلارک می گوید: این الگوها، الگوهای شکل دهنده هستند، و «یک الگوی شکل دهنده که شکل نهایی را به کار می دهد، در واقع مفهومی است که یک طراح می تواند جهت شکل و اثربخشیدن به طرح خود از آن استفاده کند، این الگوها راهکاری برای سازماندهی تصمیمات، تعیین نظام های معماری و ایجاد آگاهانه فرم، پیش رو قرار می دهند. (همان: ۲۱۹) و دوم الگوهای الکساندر که به کیفیات فضایی و نیازهای انسانی توجه می کنند. الکساندر معتقد است: سیستمی که معماری را خلق می کند و عناصر سازنده این سیستم هرکدام به خودی خود یک الگو هستند، مثلاً: پی ها، دیوارها، سقف، پنجره ها و... هرکدام ریز الگوهایی هستند که معماری و الگوی دیگری را پدید می آورند. (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

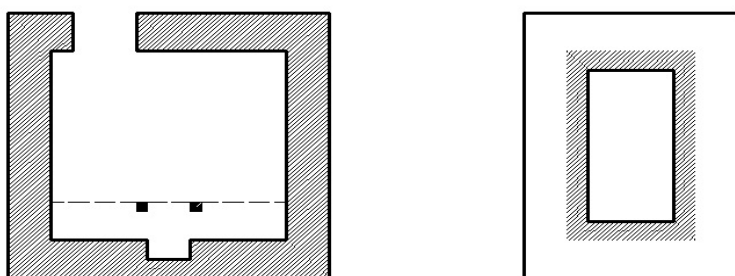


شکل ۱ الگوهای فرمی-فضایی کلارک و پاوژ، استفاده از الگوهای معماری ساختمان نورت همپتون نشاير، اثر نیکولاس هاکسمور، (کلارک، پاوژ، ۱۳۸۸)

همانطور که گفته شد الگوهای الکساندر نیازهای انسان و در واقع همه موجودات زنده را در نظر می گیرند، و همچنین وی معتقد است: هر فضایی که بتواند از لحاظ



عملکردی نیاز کاربر را برآورده کند، یک الگوبه شمار می‌رود. الکساندر در کتاب «الگوهای استاندارد معماری» دوپست و پنجاه و سه نوع الگورا در قالب سه بخش فضای شهری، ساختمان‌ها و ساختارها معرفی می‌کند. (الکساندر، ۱۳۸۹) این الگوها هر کدام قاعده‌ای سه بخشی هستند که ارتباط میان یک زمینه، یک مسئله و یک راه حل را بیان می‌کند. الگودر آن واحد هم شئی است که در عالم حادث می‌شود، و قائده‌ای است که به ما می‌گوید چگونه آن شیء را به وجود آوریم. (الکساندر، ۱۳۸۱: ۲۱۵) در آنجایی که الکساندر برای ساخت یک کلبه کوچک ۳۸ الگودر قالب یک زبان انتخاب می‌کند، وی در واقع ظوابط استاندارد، مفید و در راستای آسایش کاربر را معرفی می‌کند. این الگوها نه برداشتی شکلی و نه مفهومی از زمان‌های گذشته است، بلکه تدبیر و تفکری است، که یک طراح باید نسبت به موضوع مورد ساخت خود داشته باشد، تا استفاده‌کننده بتواند به راحت‌ترین شکل ممکن از مکان طراحی شده استفاده کند. به عنوان مثال الکساندر می‌گوید: در حیاطی که در آن خبری از الگوهای مدخل، گذرها، ایوان و رواق نباشد، نیروها طوری با هم تضاد دارند که هیچ یک نمی‌تواند با دیگری و یا با خود به تعادل برسد. همچنین وی حیاط را به دوگونه مرده و زنده معرفی می‌کند، به صورتی که حیاط با دیوار محصور شده و بدون ایوان در اطراف آن را حیاط مرده می‌نامد، و حیاط زنده و حیاط زنده وی چیزی شبیه حیاط مرکزی خانه‌های سنتی کویر می‌باشد. (شکل ۲) (همان، ۹۳)



شکل ۲ حیاط مرده و حیاط زنده،  
(الکساندر، ۱۳۸۱)

## ۶- ساختار زبان الگوی معماری سنتی

«معماری فرآیند بازآفرینی و سازماندهی فضا، با بهره‌گیری از عوامل مادی و صوری، متناسب با نیازهای مادی و روحی انسان‌ها، و در جهت کمال آنها می‌باشد.» (نقره کار، ۱۳۸۹: ۱۵۹) و طبق گفته آنتون معماری سنتی تبلور ایده‌هایی است که از استعدادها و خلاقیت آدم‌هایی آگاه سرچشمه گرفته است. آدم‌های آگاهی که به خوبی می‌دانند چه می‌خواهند و برای رسیدن به خواسته‌هایشان روش‌هایی دارند. (صادقی پی، ۷: ۱۳۸۸) خلق معماری سنتی در پی نیازهایی بود که انسان متمدن هر دوره چه از لحاظ مادی و چه معنوی و روحانی در پی آن بود. تفاوت نیازهای انسانی در هر دوره باعث به وجود آمدن ساختاری جدید در معماری آن دوره شده است. این ساختار تابع شرایطی بود که فرهنگ مردم تعیین می‌کرد، و در کنار آن اقلیم هر منطقه نیز بر این ساختار تأثیر گذار بود. گذشته از این موارد زبان الگوی معماران سنتی در ایجاد معماری مردمی، زبان الگوی خود مردم بود، به این معنی که درک معماری گذشته برای مردم به همان اندازه قابل فهم بود که خود معمار درک می‌کرد. در معماری سنتی رابطه میان کاربر و بنا مستقیم بود، به نحوی که سازگاری میان مردم و بناها عمیق می‌شد. الکساندر در رابطه با ساختار زبان الگوی معماری مدرن، به عدم توجه به مردم و مشارکت ایشان در ساخت معماری اشاره می‌کند، و می‌گوید: «زبان‌های الگو مردند»،

زیرا در جامعه مدرن و در تضاد با جامعه سنتی، مردم شهر خود هیچ یک از زبان‌هایی را که متخصصان به کار می‌برند، نمی‌شناسند. (الکساندر، ۱۳۸۱: ۲۰۲-۲۰۱) از آنجا که «زبان الگوریتمی اصلی همه انواع معماری است. همه طرح‌ها زنده بودنشان را با رضا نیازهای انسانی از طریق این زبان به دست می‌آورند.» (سالینگاروس، ۲۰۰۰: ۲۴) و «زبان سرتاسر زندگی و الگوهای زبان تمام جنبه‌های ادراکی و احساسی آدمی را در بر می‌گیرند.» (الکساندر، ۱۳۸۱: ۲۰۱) زبان الگو یک سیستم ارتباط دهنده الگوهاست، به نحوی که یک ساختار جامع جهت ارتباط مردم با معماری و آسایش جامعه معرفی می‌کند.

«الگوها در هرجا، هر فرهنگ و در هر دوره‌ای متفاوتند؛ همه آنها ساخته انسان و همه آنها وابسته به فرهنگ‌اند. با این حال در هر دوره و هرجا، ساختار عالم ما ضرورتاً حامل مجموعه الگوهایی است که بارها و بارها تکرار می‌شوند.» (الکساندر، ۱۳۸۱: ۸۴) و «زبان الگو در واقع چیزی نیست به جزء شیوه‌ای دقیق برای بیان تجربه ساختمانی هر کس.» (همان، ۱۷۹) با این تعریف می‌توان به زبان الگوی معماران سنتی در دوره خود توجه کرد، این معماران که هنرمندانی از جنس مردم بودند، و به تعبیری یک «معمار خود را مستحیل در جامعه و معیارهای آن می‌دید و وظیفه خود را در نهایت، بهبود بخشیدن آن ظوابط می‌دانست.» (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۵: ۱۲)

همه فضاهایی که انسان در طول تاریخ ساخته است، چه سنتی و چه نوین، چه هزار سال پیش ساخته شده باشند و چه امروز، شکلشان را از زبان‌هایی می‌گیرند که سازندگانشان به کار می‌برند. در همه فرهنگ‌های انسانی، چیزهایی که عالم از آنها ساخته شده است همواره در سیطره زبان‌های الگویی است که مردم به کار می‌برند. این زبان‌ها مبنای تمامی ساختار عالم ساخته انسان است. طرح استقرار مناطق و خیابان‌ها و میدان‌های عمومی و کلیساها و معابد همه زبان الگو دارند، نحوه انتظام بناها کنار هم، مرمت دیوارها، ساختن پلکان، چیدن مغازه‌ها و رستوران‌ها در کنار خیابان، همه زبان الگو دارند. (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۸۱)

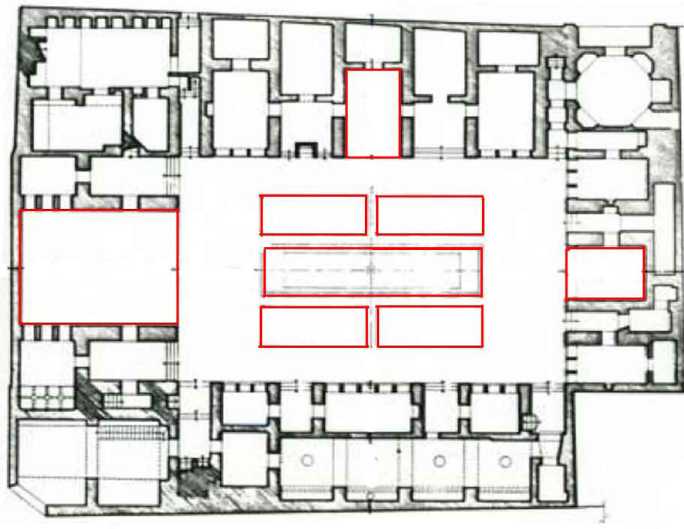
همه وجوه بناها؛ شکل آنها، حیات و زیبایی آنها از زبان‌های الگوشنت می‌گیرد. الگوها نه تنها متکفل شکل خاص هر بنا، بلکه متکفل میزان و دامنه حیات آن نیز هستند. (همان، ۱۸۷) زنده بودن و زیبایی همه بناهای سنتی ناشی از زبان الگوی آنهاست. همه عناصر این معماری که واجد زندگی هستند، و قدرت برانگیزانندگی آنها، از زبانی سخن می‌گویند که معمارش به کار می‌برد. زبان الگوی معماری سنتی آنجا مصداق پیدا می‌کند که حیاط مرکزی این معماری را بررسی می‌کنیم. همانگونه که گفته شد الکساندر از حیاط زنده صحبت می‌کند، وی این گونه حیاط را دارای الگوهایی چون مدخل، رواق، گذر و... می‌داند. بنابراین حیاط مرکزی یک الگو و یک به تعبیری یک زبان الگومی باشد. زبانی که ریزالگوهایی چون؛ ایوان، فضای سبز فراخ، راه‌های دسترسی، حوضچه، بوته‌های سرسبز و... را با هم پیوند داده تا یک ساختار منسجم جهت برآورده کردن نیازهای خانواده بوجود آید. (شکل ۳)

تاریخ معماری بناهای بومی که همان معماری سنتی می‌باشد، مرجع اصلی معماری امروزی است و در این بستر است که می‌توان تجربیات گذشتگان را دید و برای آینده از آنها بهره گرفت. خواندن معماری گذشته و ارزش‌های گونه‌شناسی بستگی مستقیم به انتقال تجربیات گذشتگان به معماران بوسیله ضمیر ناخودآگاه دارد. یکی دیگر از الگوهای معماری سنتی برخوردار صحیح آن با طبیعت است، و از آنجا که طبیعت آموزگار اصلی معماری می‌باشد، انسان از طبیعت فرا می‌گیرد و مانند قوائد آموخته شده از طبیعت بنا را می‌سازد. (معماریان، ۱۳۹۱: ۱۸۷-۱۸۶) (شکل ۴)

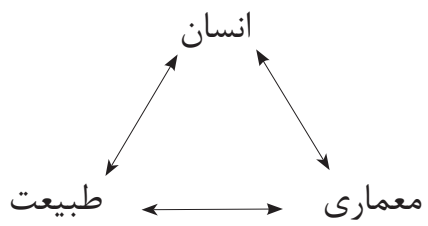
بازخوانی الگو در معماری سنتی

حسین ظفریان ریگی، سمیه امیدواری، محمدرضا نقصان محمدی

صص ۳۲-۴۷



شکل ۳- الگوی حیاط مرکزی و ریزالگوهای آن، خانه لاریهای یزد، (سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵)



شکل ۴- رابطه سه گانه در اندیشه موراتوری‌ها (معماریان، ۱۳۹۱)

همانطور که گفته شد معماری سنتی سرشار از الگوهایی است که در معماری معاصر می‌توان از آنها بهره برد. این الگوها از فرم و فضا گرفته تا الگوهایی که الکساندر از آنها صحبت می‌کند. بهره‌گیری از این الگوها و زبان آنها جهت ساختاردهی به معماری نوین، معمار را کمک می‌کند تا بتواند نقشی مؤثر در شکل‌گیری این معماری ایفا کند. در زیر به چند نمونه از الگوهای خانه‌های سنتی اشاره می‌کنیم: (جدول شماره ۲)

| الگوها | الگوهای معماری                            | الگوهای اجتماعی                      | ریز الگوها                           |
|--------|---|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ورودی  | فاصله از معبر- سکوهای طرفین               | انتظار مهمان- استقبال و بدرقه        | سکوی نشستن- پله قبل از ورود          |
| هشتی   | فضایی هشت گوش                             | نشست‌های همسایگی                     | سکوهای نشستن- سقف - طاقچه‌های تورفته |
| حیاط   | شکلی چهارگوش- گردآورنده دیگر الگوها دورهم | بازی کودکان- نشست‌های خانوادگی در شب | حوضچه آب- فضای سبز- راهروها          |
| ایوان  | فضایی چهارگوش با حداقل عمق ۲ متر          | نشست خانوادگی- صرف شام- بازی کودکان  | طاقچه‌ها تورفته- سقف طاقی            |

جدول شماره ۲: الگوهای معماری سنتی (خانه‌های سنتی) (نگارندگان)

۷- نقش الگوهای معماری سنتی در معماری معاصر

در عصر مدرن نقش الگوهای معماری سنتی به شدت کاهش یافته و در نتیجه موجب کاهش ارتباطات انسانی با محیط زندگی و این هنر تأثیرگذار شده است. یکی از تفاوت‌های عمده میان معماری قدیم و معماری نو، در چگونگی حضور و

کیفیت پرداختن معماری در رابطه با نیازهای مادی (فیزیکی)، روانشناختی و روحانی است. «(ماهوش، ۱۳۸۵: ۷)» برای این اساس شناسایی اصول و قواعد معماری سنتی و توسعه‌ی آن‌ها در زندگی امروزی، برای توسعه و احیای روابط اجتماعی و فرهنگی و توانمندسازی ساختار شهری امری ضروری است. بسیاری از الگوهای معماری سنتی با الگوهای مدرن نه تنها در تقابل و تضاد نیستند، بلکه در روند دست‌یابی به توسعه معماری مکمل یکدیگرند. توجه به الگوهای معماری سنتی و شناخت این الگوها به خودی خود یک استاد معماری در شکل‌گیری معماری معاصر می‌باشد. جست و جو و شناخت الگوهای معماری سنتی چه الگوهای فرمی-فضایی و چه معنایی شرط لازم برای رسیدن به معماری اثرگذار است.

آنتونیادس در کتاب بوطیقای معماری در رابطه با پرداختن به الگوهای معماری گذشته به تاریخ و مطالعه پیشینه‌ها اشاره می‌کند، و جهت کاربرد صحیح تاریخ و الگوهای آن مواردی زیر را نام می‌برد:

- رجوع به الگوهای نخستین (سنتی) تاریخ محلی
- رجوع به الگوهای نخستین جهانی
- رجوع به دوران تاریخی دور و نزدیک
- پوشش کامل و همه جانبه پیشینه تاریخی
- قضاوت انتقادی در انتخاب و نوع سابقه تاریخی

هرچند وی معتقد است پیشینه تاریخی متعلق به زمان‌های دور و نیز پیشینه‌های گذشته می‌توانند جهت فرآیند خلاقیت طراحی آموزنده باشند، ولی می‌توان این نظریات را در جهت استفاده صحیح از الگوهای گذشته نیز برشمرد. (آنتونیادس، ۱۳۸۸: ۲۸۱) در رابطه با اهمیت تئوری هوراشیوگرینونیز با تأکید بر اصول معماری یونان، می‌گوید: «من برای اصول یونانی تلاش می‌کنم، نه اشیاء یونانی». آنتونیادس رویکرد وی را تئوری زیبایی‌شناسی ارتدکس نام می‌نهد، و می‌گوید «این نوع زیبایی‌شناسی خواستار شکل‌گیری اثر معماری به مثابه چیزی حاصل تقلید از باطن می‌باشد، نه تقلید از ظاهر». (همان: ۳۱۰) که این رویکرد را در معماری معاصر ایرانی نیز با توجه به استفاده از مفاهیم معماری سنتی در قالب تقلید از باطن مشاهده می‌شود. در مطالعه معماری ایرانی و استخراج مفاهیم، مبانی و ویژگی‌های آن به اصول و الگوهای متنوعی در ادوار مختلف برمی‌خوریم که امروزه مبانی و ساختار کاراکتر معماران می‌باشد. اصولی که مطالعه آن بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است. دیبا معتقد است: تمام معماری‌های برجسته جهان رازی دارند که فقط با چشم دل می‌توان به آن راه یافت، و در ایران نیز این نگرش عاطفی هنگامی حاصل می‌شود که تعادل و پیوندهای محیطی و معنوی انسان با استحکام و تعادلی مطلوب برپا شده باشد. در این راستا وی از درونگرایی، مرکزیت، انعکاس، پیوند معماری با طبیعت، هندسه، شفافیت و تداوم، راز و ابهام و تعادل موزون/توازن حساس به عنوان ویژگی‌های معماری ایران نام می‌برد. (دیبا، ۱۳۸۹: ۱) این در حالی است استاد پیرنیا اصول معماری سنتی را مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی و درون‌گرایی می‌داند. (پیرنیا، معماریان، ۱۳۸۷: ۲۶) بنابراین اصول معماری سنتی که پیرنیا معرفی می‌کند و ویژگی‌های فلسفی و معماری که دیبا و دیگر نظریه پردازان از این معماری استنباط می‌کنند، (جدول شماره ۳) می‌توانند قوائد الگوهای معماری سنتی باشند. در معماری معاصر همین قوائد به گونه‌های مختلف در آثار معماران و با روندی خاص بروز پیدا کرده‌اند. (جدول شماره ۴)

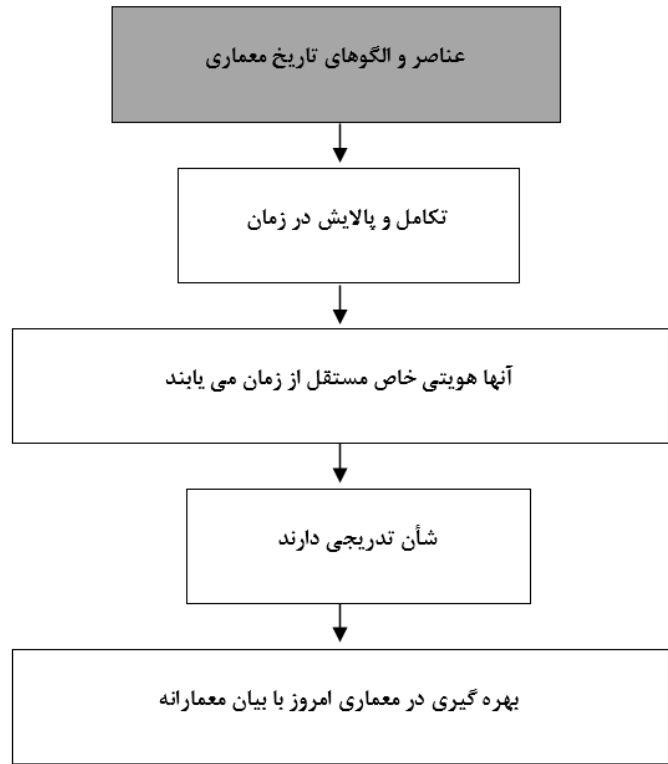
بازخوانی الگو در معماری سنتی

حسین ظفریان ریگکی، سمیه امیدواری، محمدرضا نقصان محمدی

صص ۳۲-۴۷

| دیدگاه معماری    |                   | دیدگاه فلسفی            |            |                             |                       |                   |
|------------------|-------------------|-------------------------|------------|-----------------------------|-----------------------|-------------------|
| زیبایی و سودمندی | شناخت مصالح       | هماهنگی با محیط         | حقایق ازلی | کیهان شناسی                 | یکپارچگی              | سیطره معنویت      |
| نوآوری           | مقیاس انسانی      | انطباق محیطی            |            | نظام فضایی مثبت             | الگوی مثالی بهشت      | بیش نمادین        |
| پرهیز از بیهودگی | نبارش             | مردم واری               |            |                             | درون گرایی            | خود بسندگی        |
| اهمیت محور فضا   | ارتباط سازه و شکل | مکان شش جهته            |            | چهار نقطه تحدید فضا         | هویت                  | اهمیت زمان در شکل |
| اشتراک           | تداوم             | واجد مرکزیت، حیاط مرکزی |            |                             | رمز و راز، چند بنیانی | کمال گرایی        |
|                  | توافق اقلیمی      | جهت استقرار             |            | تقدم حس بزدانی بر حس زیبایی | اندرونی و بیرونی      | حرمت و محرمیت     |
| مقیاس انسانی     | انطباق با محیط    | تنوع هندسی              |            | همدلی با طبیعت              | زمان و مکان           | وحدت در کثرت      |

جدول شماره ۳: اندیشه‌های فلسفی - معمارانه (ویژگی‌های معماری) (پورجعفر، اکبریان، انصاری، پورمند، ۱۳۸۶)



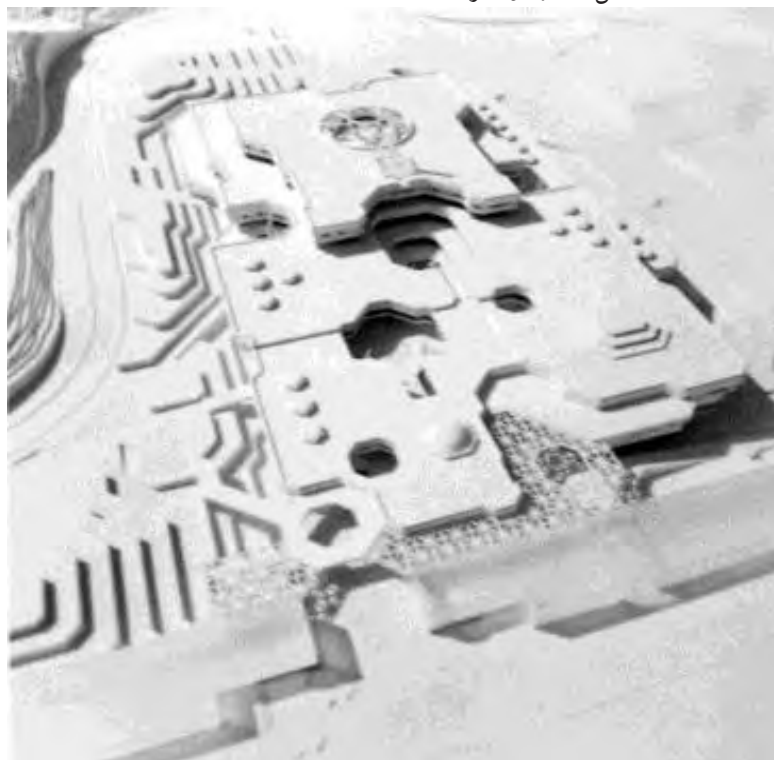
جدول شماره ۴: روند بهره‌گیری از الگوهای تاریخ معماری (معماریان، ۱۳۹۱)

در این دوران برخی الگوراشکلی و الگوپردازی نوعی برخورد شکلی با سنت پنداشته، و همانطور که گفته شد، برخی نیز از الگوپردازی از سنت به مفاهیم معماری سنتی پرداختند و با بهره‌گیری از مفاهیم در معماری معاصر سعی دارند به این معماری هویت بخشند. «توجه به معماری گذشته در دو قالب الگوگرا و مفهوم گرا در آثار پس از انقلاب مشاهده می‌شود.» (اخوان عبدالهیان، حسین زاده، حسینقلی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱) مفهوم

بازخوانی الگو در معماری سنتی  
حسین ظفریان ریگکی، سمیه امیدواری، محمدرضا  
نقصان محمدی

صص ۳۲-۴۷

گراها از معماری گذشته از مفاهیمی چون درونگرایی، ایهام، انعکاس، تداوم، شفافیت و خلاء استفاده کردند. مانند کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، اثر حسین شریعت زاده، سال ۱۳۷۴. (شکل ۴) و فرم گراها از ایده‌های سازمان دهنده فرم و فضا از معماری گذشته برداشت کرده‌اند. مانند مجموعه ورزشی رفسنجان، اثر سید هادی میرمیران، سال ۱۳۷۳. (شکل ۵) (مهدوی نژاد، ۱۳۸۶: ۶)



شکل ۴- کتابخانه ملی جمهوری اسلامی  
ایران، (عبدالهیان، حسین زاده، حسینقلی  
نژاد: ۱۳۸۷)



شکل ۵- مجموعه ورزشی رفسنجان،  
(عبدالهیان، حسین زاده، حسینقلی نژاد:  
۱۳۸۷)

#### ۸- نتیجه‌گیری

در این پژوهش الگوبه عنوان واژه‌ای کلیدی در مطالعه معماری سنتی مورد بررسی قرار گرفت و با واژه‌های هم معنی خود چون: گونه، مدل، اسکینما، پارادایم، سرمشق، نمونه و... به مقایسه گذاشته شد. که تفاوت بین این واژه‌ها کاربرد آن را مشخص نموده است. با توجه به اینکه نقش الگوهای سنتی در معماری امروزی ضعیف برآورد می‌شود، توجه

بیشتر به این معماری (سنتی) و پژوهش با تدبیرتر در آثار آن می‌تواند رویکردی مناسب جهت رسیدن به یک معماری غنی تر باشد. با شناخت الگو و کاربرد صحیح آن در حوزه‌های مختلف بخصوص معماری، پیشرفت این هنر را می‌توان به سوی خلاقیت و خلق بناهای مفید را پیدا خواهد کرد. در تعریفی متوجه شدیم شناخت نیازهای جامعه باعث پدیدار شدن الگوهاست. و در تعریفی دیگر درک مفاهیم معماری سنتی، الگوهای جدیدی را در معماری معاصریه معماران تفهیم می‌کند، که این الگوها به زنده نگه داشتن این معماری (سنتی) کمک می‌کند.

## منابع

۱. آگامبن، جورجو، (۱۳۹۱)، «پارادایم چیست»، مترجمان امیر کمالی و حسین پروانه، چهارشنبه ۳۰ فروردین، روزنامه شرق، ص ۱۰.
۲. آنتونیادس، آنتونی سی، (۱۳۸۸)، «بوطیقای معماری (آفرینش در معماری، جلد اول راهبردهای نامحسوس به سوی خلاقیت در معماری)»، ترجمه احمد رضا آی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
۳. آنتونیادس، آنتونی سی، (۱۳۸۸)، «بوطیقای معماری (آفرینش در معماری، جلد دوم راهبردهای محسوس به سوی خلاقیت در معماری)»، ترجمه احمد رضا آی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
۴. اخوان عبدالهیان، محمدرضا، حسین زاده، وحید، حسینقلی نژاد، کیمیا، «بهره‌گیری از الگوها و مفاهیم معماری اسلامی در آثار معماری معاصر ایران»، همایش ملی صد ساله معماری و شهرسازی معاصر ایران.
۵. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۱)، «معماری و راز جاودانگی (راه بی‌زمان ساختن)»، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۹)، «الگوهای استاندارد معماری»، ترجمه فرشید حسینی، چاپ ۲، تهران: انتشارات مهرآزان.
۷. پورجعفر، محمدرضا، اکبری، رضا، انصاری، مجتبی، پورمند، علی، (۱۳۸۶)، «رویکرد اندیشه‌ای در تدوین معماری اسلامی»، مجله صفا، شماره ۴۵، صص ۹۰-۱۰۵.
۸. پیرنیا، محمد کریم، معاریان، غلامحسین، (۱۳۸۷)، «سبک‌شناسی معماری ایرانی»، تهران: انتشارات سروش دانش.
۹. تولایی، نوین، (۱۳۸۲)، «فضای شهری و رابطه اجتماعی-فرهنگی»، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۵، صص ۱۴۰-۱۰۹.
۱۰. خالقی، امیرحسین، (۱۳۹۱)، «جستاری بر رویکردهای چند پارادایمی و فراپارادایمی (چند/فراپارادایمی) در مطالعات سازمانی»، فرآیند مدیریت و توسعه، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۵۱-۳۱.
۱۱. چینگ، فرانسیس د. ک، (۱۳۸۷)، «معماری (فرم، فضا و نظم)»، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان: انتشارات نشر خاک.
۱۲. حسین زاده، علی، (۱۳۹۰)، «ارتباط در زندگی اجتماعی (الگوها، آثار و آسیب‌های آن)»، مجله معرفت-ادبیات و عرفان، شماره ۱۶۲، صص ۱۴۲-۱۲۵.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، معین محمد، (۱۳۴۲)، «لغت نامه (۸) شماره حرف الف»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، معین محمد، (۱۳۴۲)، «لغت نامه (۸) شماره حرف س»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات.
۱۵. دیبا، داراب، (۱۳۷۸)، «الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران»، مجله معماری و فرهنگ، شماره ۱، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، صص ۹۷-۱۱۱.
۱۶. روشه، گی، (۱۳۶۷)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، جلد اول کنش اجتماعی»، ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
۱۷. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، «درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی»، تهران: انتشارات کیهان.
۱۸. سالینگاروس، نیکلاس، (۲۰۰۰)، «ساختار زبان‌های الگو»، ترجمه سعید زرین مهر، Publisher: (December) ۲۶، Volume ۲۰۰۰ / ۴ Architectural Research Quarterly / Issue ۰۲، Cambridge University، pp ۱۴۹-۱۶۲.
۱۹. سعیدی، عباس، (۱۳۶۵)، «مدل و مدل‌سازی در آموزش جغرافیا»، مجله رشد آموزش، شماره ۷، صص ۱۴-۱۰.
۲۰. سلطان بیاد، قربان صباغ، محمودرضا، (۱۳۹۰)، «بررسی قابلیت‌های نقد کهن الگویی در مطالعات تطبیقی ادبیات: نگاهی گذرا به کهن الگویی «سایه» و «سفر قهرمان»»، فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، شماره ۱۴، صص ۱۰۳-۷۹.
۲۱. سلطانی، مهرداد، منصوری، سیدامیر، فرزین، احمد علی، (۱۳۹۱)، «تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۲۱، صص ۱۴-۳.
۲۲. سورین، ورنر، تانکار، جیمز، (۱۳۸۶)، «نظریه‌های ارتباطات»، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

## بازخوانی الگو در معماری سنتی

حسین ظفریان ریگکی، سمیه امیدواری، محمدرضا نقصان محمدی

صص ۳۲-۴۷

۲۳. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۱)، «تغییر رفتار و رفتار درمانی نظریه ها»، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دوران.
۲۴. شرقی، علی، (۱۳۸۹)، «پژوهشی درباره کهن الگوها در اندیشه های عارفانه مهری ایران باستان و همانندی آن با اوپانیشادهای کهن»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۷۱ و ۲۷۲، صص ۲۱-۱۶.
۲۵. صادقی پی، ناهید، (۱۳۸۸)، «تأملی در معماری سنتی»، مجله صفا، شماره ۴۸، صص ۱۶-۷.
۲۶. عینی فر، علیرضا، قاضی زاده سیده ندا، (۱۳۸۹)، «گونه شناسی مجتمع های مسکونی تهران با معیار فضای باز»، مجله آرمانشهر، شماره ۵، صص ۳۵-۴۵.
۲۷. کلارک، راجراج، پاوز، مایکل، (۱۳۸۸)، «الگوهای معماری-تحلیل ها و ایده های شکل دهنده»، ترجمه ثمرترابی کرمانشاه، چاپ اول، تهران: انتشارات یزدا.
۲۸. کوهن، تامس، (۱۳۶۹)، «ساختار انقلاب های علمی»، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات سروش.
۲۹. گرجی مهلبانی، یوسف، (۱۳۸۶)، «تفکر طراحی و الگوهای فرآیندی آن»، مجله صفا، شماره ۴۵، صص ۱۲۳-۱۰۶.
۳۰. گلابچی، محمود، زینالی فرید، آیدا، (۱۳۹۱)، «معماری آرکی تایپی (کهن الگویی)»، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. گولد، جولیس، کولب، ویلیام ل، (۱۳۷۶)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ویراستار محمدجواد زاهدی مازندرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات مازیار.
۳۲. قیومی بیدهندی، مهرداد، (۱۳۸۵)، «آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماری»، مجله صفا، شماره ۴۲، صص ۸۴-۶۴.
۳۳. ماهوش، مریم، (۱۳۸۵)، «بیان معماری؛ بروز حقیقت معماری در اثر»، هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صص ۵۴-۴۵.
۳۴. مترجم، یلدا، نقشینه، امیرعباس، (۱۳۹۲)، «مفهوم آرکی تایپ و تجلی الگوهای پایدار بنیادین در معماری»، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست.
۳۵. محمودی نژاد، هادی، انصاری، مجتبی، پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر، (۱۳۸۵)، «ساختار زبان الگو در طراحی شهری و معماری، جستاری در ساختار زبان الگو در ادبیات شهرسازی و معماری سنتی»، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۱۵، صص ۳۳-۱۸.
۳۶. معاریان، غلامحسین، (۱۳۹۱)، «سیری در مبانی نظری معماری»، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سروش دانش.
۳۷. معین، محمد، (۱۳۸۶)، «فرهنگ معین (یک جلدی فارسی، آ-ی)»، چاپ دوم، تهران: انتشارات زرین.
۳۸. موسوی، فرشید، (۱۳۹۰)، «روند شکل گیری فرم»، مترجمان فرنز نظری و میلاد میانجی، تهران: انتشارات موسسه علم معمار، رویال.
۳۹. مهدوی نژاد، محمدجواد، (۱۳۸۶)، «جریان های هویت گرا در معماری معاصر ایران»، از هویت ایرانی؛ به کوشش زهرا حیاتی و دکتر سید محسن حسینی مؤخر، چاپ اول، تهران: سوره مهر، صص ۴۲۸-۴۱۱.
۴۰. مهدوی نژاد، محمدجواد، خبری، محمدعلی، عسکری مقدم، رضا، (۱۳۸۹)، «تجدید حیات گرایی و معماری معاصر ایران در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۵.
۴۱. میرساردو، طاهر، ساروخانی باقر، (۱۳۸۷)، «فرهنگ جامع جامعه شناسی»، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
۴۲. نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۸۹)، «مبانی نظری معماری (رشته معماری)»، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴۳. نقره کار، عبدالحمید، مظفر، فرهنگ، نقره کار، سلمان، (۱۳۸۹)، «مدل سازی؛ روشی مفید برای پژوهش های میان رشته ای-نمونه موردی؛ امکان سنجی بهره گیری از آموزه های «اندیشه اسلامی» در «آموزش معماری»»، نشریه علمی پژوهشی انجمن معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، صص ۱۳۸-۱۲۹.
۴۴. نوربرگ-شولتز، کریستیان، (۱۳۸۷)، «معماری: حضور، زبان و مکان»، ترجمه علیرضا سید احمدیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات نیلوفر.
۴۵. سازمان میراث فرهنگی کشور

46. Wehmeier, Sally, McIntosh, Colin, Turnbull, Joanna, (2005), «Oxford Advanced Learner's Dictionary», Seventh edition, London: Oxford University Press.